

خواهد کرد که قادر به فهم کوچک بودن انسانها و قاره‌ها در مقیاس کائناتی شده و همین حقیقت باعث می‌گردد که محرک‌های جدید، ما را وادار به مکاری در زمینه فضا کنند. در همه اعصار تاریخی همیشه انسان به کلمات و عوامل الهام بخش نیاز داشته که به او قدرت تفوق بر مشکلات ببخشد و او را جهت درک واقعیتهای صعب‌الوصول رهنمون سازد.

عامل مهمی که باعث ایجاد تشدید در کار بررسی‌های فضائی در این عصر صنعتی می‌باشد، پیدایش شاخه‌های جدیدی از صنعت است. که از طریق این صنایع صدها هزار مردم که شغل خود را بعلم اقتصادی دیگر از دست داده‌اند دوباره به کار گمارده میشوند. صنعت فضائی از صنایع اتومبیل‌سازی و فولادسازی هم جلوتر افتاده و حتی امروزه، در بازارهای دنیا بعنوان وزنه بزرگی احساس می‌گردد. پیدایش بیش از ۴۰۰۰ نوع کالا مرهون تحقیقات فضائی است و در حقیقت اینها تولیدات فرعی تحقیقات فضائی می‌باشند و این تولیدات فرعی امروزه جز ضروریات واجب زندگی گردیده است در صورتیکه مردم کمترین اطلاعی از علت بوجود آمدن و کشف آنها ندارند.

ماشین‌های حساب الکترونیکی، فرستنده‌ها و گیرنده‌های کوچک و بکار بردن ترانزیستور در رادیو و تلویزیون و ماهی تابه‌ای که غذای آنها نمی‌چسبد (حتی بدون روغن) دستگام‌های بسیار دقیق همه هواپیماها و سیستم کنترل زمینی و خلبانان اتوماتیک و بالاخره ماشین حساب‌های بسیار پیشرفته، همگی قسمت‌هایی از کشف‌های تحقیقات فضائی می‌باشند همچنان قسمت‌هایی از برنامه‌های تکامل یافته‌ای که دارای تأثیر بسزائی در زندگی ما می‌باشد. همه تحقیقات فضائی است.

تکنیک‌هایی که عوام هنوز از آن اطلاعی ندارند بسی فراوان است: سیستم جدیدی که جوش کاری و روغن کاری در خلاء مطلق را انجام میدهد، و نیز سلولهای فتوالکتریک و منابع کوچک انرژی که همه جا را اشغال کرده همه همه از میان مقادیر زیادی از مالیات‌ها که به پروژه تحقیقات فضائی خورانده میشوند ایجاد و منافش مجدداً به کسانی که مالیات می‌دهند برمیگردد. ملیت‌هایی که در تحقیقات فضائی پیشرفت نمیکنند، همیشه تکنیک‌های مهم آنان را در بر خواهد گرفت. نام‌هایی مانند (Telstar) (Mariner) - (Echo)

(Ranger) - (Syncom) - (Relay) - (Trius) همه نشانه‌هایی است در شاهراه تحقیقات وقفه ناپذیر فضائی. و از آنجائیکه انرژی کره زمین پایان پذیر است، برنامه مسافرت‌های فضائی روزی ضرورت حیاتی پیدا خواهد کرد زیرا برای روشن کردن شهرها و گرم کردن خانه‌ها باید از انرژی اتمی وارداتی از مریخ یا سایر سیارات برای راکتورهای روی زمین استفاده کرد. (غرض از انرژی اتمی مواد اولیه لازم جهت بکار بردن در راکتورها است.) همان طوری که ایستگاه‌های انرژی‌زای اتمی بما ارزان‌ترین نوع انرژی را می‌دهند تولید صنعتی در مقیاس‌های بزرگ همیشه تکیه بر این ایستگاه‌ها کرده و وقتی که سوخت انرژی برای این ایستگاه‌ها در روی زمین پیدا نشود باید سوخت مزبور را از ستارگان دیگر بدست آورد. نتایج تحقیقات تازه، هر روزه ما را بیشتر در خود محاسره میکند. سیدن معلومات پدر به فرزند در حال حاضر برای همیشه از بین خواهد رفت. : ، نفر تکنسین که یک رادیو را توسط فشار دادن دکمه‌هایی تعمیر کند، باید درباره تکنولوژی ترانزیستور و مدارهای پیچیده اطلاعات دقیق داشته باشد، زیرا زیاد طول نخواهد کشید که تکنسین مزبور مجبور است با اجزاء پیچیده میکروالکترونیکی کار کند و در حقیقت مسائلی را که به شاگردان امروز تدریس می‌کنند مردان آینده، با اطلاعات جدید دیگری قادر بکار خواهند بود، حتی اگر در زمان بدبزرگان ما، افراد با تسلط و مهارت در کار خود میتوانستند برای یک عمر کار خود و زندگی را ادامه دهند، امروز هر تکنسین مجبور است که هر چند صباحی با مهارت‌های جدیدتری آشنا شود، و چه بسا آنچه که امروز معتبر است فردا بی‌ارزش گردد.

نکته دیگر این است که انرژی خودشید بالاخره روزی به اتمام خواهد رسید و در این صورت لازم نخواهد بود که یک سیاستمدار احق در یک کشور بزرگ، برای یک لحظه از حالت عادی خارج شده و دستگاہ انهدامی اتمی را بکار انداخته و ایجاد یک فاجعه بزرگ نماید، زیرا اتفاقات پیش‌بینی نشده و اتفاقات کائناتی نیز می‌تواند باعث از بین رفتن کره خاکی ما گردد. البته بشریت هنوز احتمال وقوع چنین فاجعه‌ای را قبول نکرده است و به همین دلیل است که قلباً در جستجوی زندگی روحانی بعد از مرگ که در همه ادیان ذکر آن رفته میباشد، و به همین علت است که میگویم تحقیقات فضائی تنها ناشی از

انتخاب آزاد ما نبوده بلکه از جبری ذاتی سرچشمه میگیرد که انسان دزدان خود گرایش به زندگی در آسمانها را احساس میکند، و همانطور که قبلاً بیان داشتم کسانی از کرات دیگر در دورانهای پس دور، یا به این گره گذاشته اند. و میتوان گفت که ما تنها موجود هوشمند و فکور در فضای لابنتاهی نیستیم و البته می توانم بگویم که حتی کسانی هم در فضا وجود دارند که از ما بسیار هوشمندتر و پیشرفته تر میباشند. اگر من بگویم که تمام افراد فکور کائنات با ابتکار خود مشغول تحقیقات فضائی در کرات خود هستند در این صورت یا به داستانسرایی علمی گذاشتم و خیلی روشن است برای مدتی سر را به لانه زنبور بردم! موضوع دیگری که مورد بررسی باید قرار گیرد بشقابهای پرنده است که حداقل از بیست سال پیش دیده شده است و آمریکائی ها در کتابهای علمی خود آن را با علامت اختصاری UFO's نام برده اند (Unidentified - Flying objects) وقتی ما درباره فضا بحث می کنیم باید به نکته زیر توجه نمائیم.

گفته میشود که تحقیقات فضائی بسیار گران بود و هیچ کشوری قادر به نظر گرفتن این که خیلی هم ثروتمند باشد، نمی تواند بدون این که در خط ورشکستگی ملی قرار گیرد با اندازه کافی پول برای انجام این هدف تهیه کند و این موضوع حقیقت دارد زیرا هیچ وقت تحقیقات فضائی سودآور نبوده است و در حقیقت تولیدات ناشی از تحقیقات علمی باعث سودمندی تحقیقات میگردد و غیر منطقی است اگر ما انتظار سود و مستهک شدن مخارج تحقیقات فضائی را در مرحله فعلی داشته باشیم، و بالاخره هیچ تعادلی نمیتوان بین مخارج تحقیقات و فروش ۴۰۰۰ نوع کالای ناشی از این تحقیقات را که میتوان تولیدات فرعی (By - Product) بدست آمده است ایجاد کرد. ولی بعقده من شک می نیست که بالاخره این تحقیقات باعث بدست آمدن سودهای بسیار کلانی خواهد شد. وقتی که تحقیقات به سود به هدف خود برسد، نه تنها باعث سودآوری خواهد شد بلکه سبب دستکاری و نجات بشریت از انهدام دسته جمعی نیز خواهد کرد. پس ممکن است که تذکر دم سری های مختلف قمرهای امروزی فقط جنبه تجارتی آنها مورد توجه است.

در نوامبر ۱۹۶۷ مجله (Der Stern) چنین نوشته است: حداکثر ماشینهای پزشکی نجات دهند. از آمریکا وارد می گردد و این ماشینها نمره

تکامل تحقیقات سیستماتیک (Systematic) بررسی‌های امنی و همچنین تکنولوژی نژادی و تحقیقات فضائی می‌باشند و پیدایش ماشین‌های مزبور ناشی از همکاری‌های بین بیمارستان‌های آمریکا و واحدهای عظیم صنعتی این کشور است و این همکاری باعث باز شدن افق‌های جدیدی در پیشرفت طب گردیده است بنابراین کمپانی لاک‌هید (Lockhead) تولید کننده هواپیماهای Star Fighter با همکاری کلینیک معروف Mayo همکاری را برای ایجاد یک سیستم پرستاری کامپیوتری آغاز کرده است. طراحان هوانوردی امریکای شمالی در جهت درخواست‌های پزشکان در سدد تهیه کمر بندی هستند که تنفس افراد مبتلا به آمفیزم را آسان می‌سازد. مسئولین فضائی ناسا (Nasa) اندیشه ساختن دستگاه‌های زیر را دادند:

- ۱- دستگاه‌های تشخیص بیماری.
 - ۲- دستگاه‌های سنجش تعداد و سرعت شهاب‌های بسیار بزرگ را که به سفینه‌های فضائی برخورد میکنند.
 - ۳- دستگاه‌های سنجش تشنجات عضلانی در بعضی بیمارهای عصبی.
- دستگاه پزشکی دیگری که جنبه حیاتی دارد و بساز بعنوان محصول فرعی تحقیقات فضائی بشمار میرود دستگاه تنظیم کننده ایست بنام (Pace-maker) که در حال حاضر دوهزار آلمانی با داشتن یک دستگاه از این (Pace-maker) در سینه خود بزندگی معمولی ادامه میدهند. دستگاه مزبور شامل یک مینی ژنراتور (Mini-Generator) است توسط باطری کار میکند و در زیر پوست کار گذاشته میشود. پزشک توسط رشته سیم با یکی از راه ورود فوقانی باب (وریدها جوف فوقانی) آنرا به دهلیز راست قلب متصل میکند و قلب حرکات منظم خود را خواهد داشت و پیش آن طبیب خواهد بود و پس از ضبط شدن باطری الکتریکی، بایک عمل خیلی ساده میتوان باطری آن را تعویض کرد. کمپانی جنرال الکتریک (General-Electric) دو سال پیش باعث کامل شدن این تکنیک طبی جادویی گردید که در حال حاضر دو مدل با سرعت‌های مختلف از ماشین مزبور ساخته شده است. وقتی استفاده کننده ماشین مزبور، میخواهد بدود، تنیس بازی کند، و یا باعجله سوار قطار شود خیلی ساده، دسته‌ای را بالا و پایین کرده و باعث تشدید ضربان قلب خود

می گردد. با وجود کشف چنین دستگاه‌های مهمی چه کسی می‌تواند متکبرانه حقیقتات فضائی باشد.

مجله (Die Zeit) در شماره ۳۷ نوامبر ۱۹۶۷ گزارش زیر را داده: طرح‌های آهست از زمین فرود آمدن وسائط نقلیه فضائی و تکنیک‌های بکاررفته، برای صاحبان صنایع اتومبیل‌سازی خیلی جالب است که بدانند در شرایطی که هر لحظه خطر منهدم شدن و سلبه بیشتر میشود، این طرح چگونه موثر واقع می‌گردد. گرچه ساختن ماشین‌هایی که کلاً از خطرات ناشی از تصادف ایمن باشد میسر نیست، معذک طرح‌هایی که در ماشین‌های فضائی بکار رفته می‌تواند در کاهش خطرات مرگ‌آزاد در تصادفات، بسیار مؤثر واقع شود. استفاده از این تکنیک‌ها در صنعت اتومبیل‌سازی مورد آزمایش قرار گرفته است. کسی که با مرحله جدید تحقیقات فضائی آشنائی دارد و انگیزه‌هایی را که به این تحقیقات رشد و توسعه بیشتری می‌دهد بشناسد، دیگر نمی‌تواند مسافرت از یک ستاره را به ستاره دیگر مشکل به‌پندارد و افراد جوان نسل حاضر این غیر ممکن را وقتی که به حقیقت پیوند خواهند دید.

گشتی‌های فضائی با موتور غیر قابل تصور ساخته خواهند شد همان طوری که در سال ۱۹۶۷ روس‌ها ثابت نمودند که می‌توان در کشتی فضائی بدون مرتبین را در فضا بهم ارتباط داد. قسمتی از فعالیت‌های تحقیقاتی به منظور بوجود آوردن شبکه‌های نگهدارنده و مقاوم که در جلو کپسول اصلی قرار داده شود که هدف از آن، جلوگیری از برخورد ذرات با منحرف کردن آنها از سبینه می‌باشد.

یک گروه سرشناس فیزیکدان در حال حاضر مشغول بررسی ذراتی بنام تاقیون (Tachyons) می‌باشند. این ذرات از نظر تئوری شناخته شده و سرعتشان بیشتر از سرعت نور بوده و کمترین حد سرعتشان برابر با سرعت نور است.

حال بگذارید بیشتر درباره بشقاب‌های پرنده صحبت نمائیم. اجسام مزبور در آمریکا، فیلیپین و آلمان غربی و بالاخره مکزیکو مشاهده گردیده است و حال ما فرض می‌کنیم که ۲۹۸ کسانی که این اجسام را دیده‌اند در حقیقت آنان به چشمشان یک توپ روشن ویایک بالون هوانوردی ویایک فرم عجیبی از

ابر و بالاخره نوع جدید و مشخصی از هواپیما و یا تأثیر عجیب سایه روشن برخوردار کرده است. دانشمندان متفق‌الرای هستند که تاکیون (Tachyons) باید وجود داشته باشد ولی آنان میخواهند دلیل فیزیکی هم در اثبات نظریه خود بیاورند و همچنین دلیل‌هایی هم بر وجود نوترینو و ضد ماده ارائه گردیده است، و بالاخره من می‌خواهم از منقدین سؤال نمایم که آیا آنها حقیقتاً عقیده دارند که چندین هزار دانشمند و مردان ساعی و باهوش بخاطر يك عقیده واهی و كوچك كار می‌کنند! بدون شك تعداد زیادی از مردم عادی دیگر هم قربانی تصورات این افراد گردیده‌اند و البته عوام‌فربانی هم میخواهند توسط گفته خود چند مقاله برای روزنامه خود دست و پا کنند و پولی بچیب بزنند. اگر ماهه کسانی که دروغگو بوده، یا هیستری داشته‌اند و یا آنهائیکه میخواهند ایجاد شور و هیجان کنند رد کنیم - گروهی که در حال هوشیاری مشاهداتی را ثبت کرده‌اند باقی خواهند ماند، از میان این افراد کسانی هستند که با اجسام آسمانی آشنائی دارند. يك خانم خانه‌دار ساده ممکن است همان اشتباهی را که يك نفر زارع در واپلدوست میکند مرتکب شود، ولی وقتی که بشقاب پرنده توسط يك خلبان مشاهده شود، نمی‌توان آنرا بعنوان يك تصور واهی رد کرد، چون يك نفر خلبان با سراب و همچنین با هواپیما، کره‌های آتشین و بالاخره بالون فضا نوردی آشنائی کامل دارد. عکس‌العمل‌های حسی که شامل دید درجه يك او می‌باشد بطور مرتب امتحان شده و به او اجازه داده نمیشود که قبل از پرواز و در مدت پرواز مشروبات الکلی بیاشامد و خیلی بعید بنظر میرسد که يك خلبان مهمل گومی کند، زیرا حداقل در اثر این تشنگی ذهنی شغل پر درآمد خود را بسادگی از دست خواهد داد و تازه وقتی که نه تنها يك خلبان بلکه گروهی از خلبانان و حتی مردان نیروی هوائی همگی يك داستان را بیان کنند، ما مجبور خواهیم بود که به آنان گوش کنیم: من خودم نمیدانم که بشقاب‌های پرنده چه هستند و نمی‌گویم که آنها متعلق به موجودات هوشمند کرات دیگر میباشند، اگر چه باین اظهار می‌توان اعتراض کرد. متأسفانه در طول مسافرت‌های طولانی خود من یکی از این اجسام پرنده را ندیده‌ام. لیکن در اینجا میتوانم تعدادی شواهد ثبت شده را بیاورم: در فوریه ۱۹۶۵ وزارت دفاع آمریکا دستور داد که گروه بخصوصی برای رسیدگی

به گزارش دونفر از رادارچی‌ها تشکیل گردد . دونفر رادارچی مزبور در ۲۹
 ژانویه ۱۹۶۵ دو جسم ناشناخته شده را در صفحات رادار در مری‌لند مشاهده
 کردند . اجسام مذکور با سرعت بسیار زیاد در حدود ۴۳۵۰ میل در ساعت به
 فرودگاه نزدیک می‌شدند و در حدود ۳۰ میلی فرودگاه . اجسام مزبور با
 یک زاویه خیلی نندی جهت حرکتشان را تغییر داده و از محوطه کار رادار
 خارج گردیدند. در سوم ماه مه (May) ۱۹۶۴ افراد مختلفی در کانبرا (استرالیا)
 (Canberra) که بین آنان سه شهاب‌شناس هم بود جسم درخشنده بزرگی را
 در حالیکه پهن آسمان صبحگاهی را در جهت شمال شرقی طی میکرد مشاهده
 کردند . در طی مصاحبهٔ مأموران ناسا با این افراد ، ایشان توضیح دادند که
 چطور جسم مزبور با وضعیت خاصی بالا و پائین رفته و چگونه یک جسم
 کوچکتری آن را تعقیب میکرد . از جسم کوچکتر نور قرمز خارج می‌شد
 و پس از مدتی ناپدید گردید در صورتیکه جسم بزرگتر در سمت شمال غربی
 ناپدید شد یکی از شهاب‌شناسان مزبور می‌گفت که من همیشه داستان این
 اجسام پرنده را مسخره میکردم ولی حالا که با چشم خود این اجسام را
 دیده‌ام چه ؟ در ۲۳ نوامبر ۱۹۵۳ جسم مشخصی در روی پرده رادار در
 پایگاه هوایی (Kinross) در میشیگان دیده شد . ستوان هوایی (R. Wilson)
 که در آن وقت با یک هواپیمای جت P-8 مشغول پرواز بود ، اجازه گرفت
 که جسم نامشخص را تعقیب کند و مأمورین رادار شاهد بودند که ستوان مزبور
 در حدود ۱۶۰ میل جسم عجیب را تعقیب کرد ، ناگهان هر دو جسم پروازکننده
 (هواپیما + آن جسم) در روی صفحه رادار درهم ادغام شدند و تماس راداری
 با سروان مزبور قطع شد و اثری از او و هواپیمایش پیدانشد . چند روز بعد
 منطقه‌ای که این اتفاقات شگرف در آن افتاده بود مورد کاوش دقیق هواپیمای
 دیگر قرار گرفت ولی هیچ اثری از سروان و هواپیمایش بدست نیامد . در ۱۳
 سپتامبر ۱۹۶۵ که قبل از ساعت یک بعد از ظهر گروه بان اوزین برتراند
 بلزن مشوشی مواجه میگردد ، او در حالیکه کنار ماشین در جاده فرعی
 نیوهامپشاير (امریکا) توقف کرده بود از حرکت خودداری کرده و مدعی
 بود که یک جسم نورانی قرمز غلیظی در حال پرواز بوده و در حدود ۱۵۰ میلی

تاداه فرعی شماره ۱۰۱، او را تعقیب میکرده، و سپس در داخل جنگل ناپدید گردیده است. گروهیان مزبور این زن را دیوانه پنداشت تا اینکه گزارشی مشابه گفته‌های خانم نامبرده، از طریق فرستنده پست نگهبانی جاده، دریافت میگردد و از طرف مرکز اسلی پلیس گروهیان نامبرده احضار میشود. در آنجا مرد جوانی هم داستانی شبیه داستان خانم را برای او نقل کرد و این مرد جوان هم برای فرار از نوردشید قرمز رنگ جسم مزبور به محل گودی در زمین پناه برده بود. بالاخره پلیس مزبور با اکراه برای کشف منشاء این داستان احمقانه باماشین شروع به گشت در طول جاده و پس از آن ناحیه مزبور را بمدت دو ساعت تجسس کرد. در موقع گشت متوجه شد که شش اسب دریکی از مزرعه‌ها بطور ناگهانی رم زودند و تقریباً همچنان با رم نمودن این اسبها، ناحیه مزبور توسط نو قرمز خیره کفنده‌ای روشن گشته است. آنجا آنجا را نگاه کن، پلیس فریاد کشید بهر سورت آنان متوجه شدند که جسمی شبیه گوی آتشین بطرف آنان از درون درختان در حرکت است و بلافاصله پلیس مزبور توسط بی سیم به همکار خود در مرکز خبر داد که جسم لعنتی مزبور را با چشم خود دیده است. در این هنگام مزرعه نزدیک به جاده و همچنین تپه‌هایی که در اطراف آن منطقه قرار داشت در نور قرمز فرو رفته بود. در همین لحظات دومین ماشین پلیس در کنار سرگروهیان توقف کرد. این پلیس تازه رسیده، زمزمه کنان میگفت خدا لعنتش کند!

من صدای تو و دولاند را در داد بوشنیدم که فریاد میکشیدید. فکر کردم که دیوانه شده‌اید بهر سورت نگاه کن!! در بررسی‌های بعدی ۵۸ نفر شهادت دادند که جسم مزبور را دیده‌اند میان آنها حتی ستاره شناس، اعضای کادر ساحلی هم وجود داشت و باین طریق مردانی که می‌توان به مشاهده‌های آنان اطمینان کرد و خیلی اشتباهشان در شناسایی جسم مزبور از بالون هواشناسی دهلپکو پتر کم است وجود داشتند و گزارش آنان حقایق زیادی را در بردارد ولی هیچ توضیحی درباره جسم پرواز کننده نمیدهد. در پنجم May ۱۹۶۷ سردار مارلین (فرانسه) در مزرعه‌ای بمقاصله ۶۸۰ مپلی جاده، وجود دایره‌ای را بشمارع ۱۵/۵ پا و عمق یک پا، که در همه جهات این دایره شیارهایی به عمق

۴ اینجایجاد شده گزارش داد و بنظر میرسد این تصویر با یک قالب فلزی خیلی سنگین و بر اثر فشار بر روی زمین باعث پیدایش چنین نقشی شده است. بعلاوه در پایان هر شیار یک حفره به عمق $1/2$ پا نیز بچشم میخورد، گوئی با فشار پا در قسمت انتهائی شبکه، این حفره ها ایجاد گردیده است و آنچه به این موضوع جنبه ابهام و معما می بخشد این است که خاک بنفش - سفیدی شیارها و حفره ها را پر کرده است. من این جا را خودم شخصاً بازدید کردم. ارواح که نمیتوانند موجود چنین چیزی باشند.

اهمیت این مسئله واقعاً ناراحت کننده است که عده ای از مردم و گاهی یک جامعه که با به تصورات ظاهری خود بپردازند و در نتیجه مانع از واقع بینی ما میشوند. محققان جدی را از بررسی اصولی پدیده های گوناگون باز میدارند، زیرا آنان از اینکه در معرض سرریه قرار گیرند، سخت واهمه دارند.

در ششم نوامبر ۱۹۶۷ در طی بخش برنامه ای تحت عنوان «حملات از طرف کائنات» در تلویزیون آلمان یک فرمانده هواپیمائی لوفت هانزا در پیاده اتفاقی که برای او و چهار نفر از همراهانش در هواپیما رخ داده بود صحبت نمیکرد. در پانزدهم فوریه ۱۹۶۷ در حدود ده پانزده دقیقه قبل از فرود آمدن در فرودگاه ساغرانسیکو آنان ماشین پرنده ای در نزدیکی هواپیمایشان مشاهده میکنند که قطری در حدود ۳۳ پا داشت و نور خیره کننده ای از آن ساطع میشد، ومدتی پرواز خود را معمنان با هواپیما ادامه داد.

آنان گزارشی از مشاهدات خود تهیه کرده و به دانشگاه کلرادو فرستادند و اساتید آن در این دانشگاه نظریه دادند که شیء پرنده مزبور قسمتی از یک راکت بود، که قبلاً در مدار زمین بوده است، و خلبان توضیح داد که با پرواز بیش از یک میلیون میل او و همکارش نمیتوانستند باور کنند که امکان دارد یک قطعه فلز در حال سقوط بمدت یک ربع ساعت در فضا بماند و با چنین بعدی در در طول هواپیما به حرکت خود ادامه دهد و چون شبی مزبور برای مدت ۴۵ دقیقه از زمین هم مشاهده شده تردید او نسبت به نظریه استادان دانشگاه کلرادو بیشتر شد و مساماً خلبان آسمانی از رؤیا و خواب صحبت نمی کرد:

• ملگرد از خبر نگار مخصوص روزنامه . . . شیوه پرنده ناشناخته‌ای در نواحی مختلف جنوب شرقی اروپا دیده شد . در طول چند روز گذشته و در آخر هفته ، سه نفر ستاره شناسان آماتور از سه عدد از این اجسام نورانی فضائی در ناحیه Abram عکس برداری کرده‌اند . هنگامیکه کارشناسان نظر خود را درباره این عکس‌ها اظهار می‌داشتند تعداد دیگری از این اجسام پرنده در نقاط آوستانی مجدداً دیده شد و حتی سبب آتش‌سوزی در جنگل هم گردید و دهکده ایوان گرادس چشمه این گزارشها بود . تمام ساکنان دهکده قسم می‌خورند که آنان اجسام آسمانی عجیبی که بطور شگرفی نورانی بوده است بمدت چند روز متوالی در بعد از ظهرها مشاهده کرده‌اند و در همه مقایسات نیز تأیید شده بود که چندین آتش‌سوزی جنگلی در این ناحیه اتفاق افتاد . که هنوز علت آنرا نمی‌توان تعیین کنند .

گزارش دوم . سوفیه . یونایتد پرس اینترنشنال در امروز جسم پرنده ناشناخته‌ای در سوفیه پایتخت بلغارستان مشاهده گردید و طبق گزارش‌های خبرگزاری بلغارستان جسم مزبور توسط چشم غیر مسلح قابل تشخیص بود . این خبرگزاری می‌گوید : جسم آسمانی بزرگتر از قرص خورشید بود و سپس تبدیل به دو ذنقه گردید و جسم پرنده منبع اشعه شدیدی نیز بوده و در سوفیه نیز با تلسکوپ دیده شده است . ارتفاع جسم از سطح زمین حدود ۱۸ میل و بانیروی درونی خود پرواز می‌کرده است . عموماً مردم عوام راه‌جری پیشرفت را با نادانیهای فکری خود می‌بندند عده‌ای ادعا دارند که با موجودات خارج از زمین ارتباط دارند ، و جمعی سبب گسترش دیدهای افسانه‌ای از پدیده‌های بهم گردیده ، همچنین فلسفه‌های عجیبی را در مورد زندگی اشعه می‌دهند و گاهی مدعی میشوند که از سر نشینان اجسام پرنده دستوراتی به آنها برای رستگاری بشریت رسیده است والی آخر .

در هفتمین کنفره جهانی رسیدگی به اجسام پرنده در پائیز ۱۹۶۷ پروفیسور هرمان که میتوان او را پدر مسافرت‌های فضائی و معلم قون براون شناخت ، اظهار می‌داشت که این اجسام پرنده هنوز مسئله بمرنج‌علم می‌باشند

و این احتمال وجود دارد که این اجسام از کشتی‌های فضایی و ایزتارگان دیگر و توسط موجوداتی ازما بسیار پیشرفته‌تر که ما میتوانیم مسائل بسیاری از آنان فراگیریم پرتاب شده باشد. اوپرت محقق دیگری عقیده دارد که باید به بررسی موضوعهایی که در نظر اول کمی تعجب‌آور است پرداخت. در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ در سرمقاله‌ای در مجله (Die Zeit) چنین آمده است:

روس‌ها مدت‌ها تب بشقاب پرنده را در کشورهای غربی مسخره میکردند. در سورتیکه مدتی قبل پروادا بطور رسمی اعلام کرد: چنین اجسام پرنده‌ای وجود دارد و در حال حاضر ژنرال نیروی هوایی (اناتولی استالیاکوف) بعنوان رئیس کمیته بررسی بشقاب‌های پرنده برگزیده شده است. در این میان در زمانه پس‌زندن نیز در این مورد چنین می‌نویسد: این اجسام پرنده معلول هر علتی که باشد خواه معالوا، تصورات موهوم مردم، خواه پیک‌های کره مریخ و خسوا، منشاء ربانی داشته باشد باید درباره آن‌ها توضیح داده شود. در غیر این صورت روس‌ها کمینه تحقیق برای این موضوع تشکیل نمی‌دادند. هم‌نرین و معالوا انگیزترین و بالاخره شگرف‌ترین حادثه مربوط به این پدیده‌های آسمانی واقعه زیرمبباشد.

در ساعت ۷/۱۷ صبح سی‌ام ژوئن ۱۹۰۸ در تیکا (پهریه) گلسوله‌ای آتشین عرض آسمان را طی کرد و دستپها (دشت‌ها) ناپدید گردید. مسافران قطار سیبری جسم نورانی‌ای که از جنوب به‌طرف شمال در حرکت بود دیدند. در این هنگام ساعت، سبب تکان شدید تریون گردید و بلافاصله صدای انفجاری شنیده شد. و اکثر مراکز زلزله سطح دنیا این انفجار را ثبت کرده است.

در ایرکوتسک که در حدود ۵۵۰ میلی محل حادثه قرار دارد، ضربه‌های زلزله سطح در حدود یک ساعت لرزش داشت و صدا از فاصله ۲۲۱ میلی شنیده شد. همه رزمه‌های آه‌ور در این منطقه بکلی نابود شدند و چادرهای سکونی به‌اضافه پرتاب گردید. در حدود سال ۱۹۲۱ پروفسور کولیک Kuzik بررسی این حادثه را شروع و شواهد عینی آن را گردآوری کرد و متداری هم پول برای مسافرت هنیت به این ناحیه اعزامی کم جمعیت تهیه گردید. هیئت اعزامی در ۱۹۲۷ به محل زبور رسید و موضوع از نظر هیئت اعزامی، بررسی اثر حادثه و سقوط سنگ آسمانی عظیم در این منطقه بود. ولی با توجه به در فاصله ۲۷ میلی از محل حادثه اولین درخت‌هایی از

شاخه و برگ در برابر چشم آنها نمودار شد. تنه درخت مانند تیر چراغ برق بود و در محل حادثه حتی تنومندترین درخت‌ها از تنه قطع شده بودند و بالاخره هیئت اعزامی نشانه‌هایی از خرابی‌های عظیم نیز پیدا کرد. هیئت در بررسی بیشتر مناطق، هر چه به منطقه بحران نزدیکتر میشد مشاهده میکرد که بیشتر زمین به بر لم یزرع تبدیل شده است و علائم آتش‌سوزی، منطقه بحران را که آتش‌سوزی مهبی در آن رخ داده بود مشخص می‌کرد و هر چه بیشتر بطرف شمال پیشروی میشد نظر هیئت در این مورد که آتش‌سوزی دهشتناکی در این منطقه اتفاق افتاده بیشتر تأیید میکردید و وجود حفره‌های متعدد در زمین‌های باتلاقی به هیئت این فکر را القاء کرد که شاید مسئله سقوط سنگ آسمانی در میان باشد، حفاری شروع شد ولی هیچگونه اثری از آلومینیوم، آهن و حتی قطعه‌ای سنگ که مؤید این نظر به باشد بدست نیامد. دو سال بعد، هیئت دیگری همین کار حفاری را تا ۱۱۸ پا در زمین‌های مشکوک ادامه داد و باز نتیجه منفی بود. در سال ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ هیئت علمی مجدد توسط آکادمی علوم شوروی به این نواحی اعزام گردید این هیئت علمی تحت رهبری زمین‌شناسی بنام سولو توف بود و این گروه از دانشمندان، مجهز به پیشرفته‌ترین وسائل علمی بودند و بالاخره به این نتیجه رسیدند که انفجار مزبور از نوع انفجار هسته‌ای بوده و قدرت انفجار را میتوان با بررسی‌های فیزیکی حاصله تعیین کرد.

در تیاگا در فاصله ۱۱ میلی محل انفجار درخت‌هایی دیده شده که دچار همان آتش‌سوزی شده‌اند ولی باید دانست درخت در حال رشد وقتی میتواند آتش بگیرد که مقدار حرارت ۷۰-۱۰۰ درجه در سانتی متر مکعب مساحت برسد با جود این، آتش انفجار بقدری شدت داشته که باعث ایجاد تشعشعات ثنائی نیز گردیده و قدرت انفجار مذکور در حدود (دو هشت دهم در ده بتوان بیست و سه) ارگه تعیین شد.

هیئت فوق در شعاع ۱۱ میل، درختانی را که سر شاخه‌های آنها بکلی کربونیزه شده بود مشاهده کرد. نتیجه گیری هیئت این بود که مشاهدات حاصل ناشی از انفجار بوده نه حریق جنگلی! و این کربونیزاسیون (ذغال شدن) تنها در نقاطی که سایه‌ای برای ممانعت از رسیدن و پخش نور شدید حاصل از انفجار وجود نداشته انجام گرفته است. این انرژی برابر باد بتوان بیست و سه ارگه،

کافی است که اهدام کلی بوجود آورد. مقدار انرژی، معادل با قدرت تخریبی یک بمب اتمی با وزن ۱۰ مگاتن و قدرتی برابر ۱۰^{۲۳} ارگ انرژی تعیین گردید. همهٔ محققان، انفجار هسته‌ای را تأیید کرده، و این انفجار را به برخورد یک ستاره دنباله دار و یا سقوط یک هباب عظیم و خارق‌العاده بزمین ربط دادند. چه نوع توضیح منطقی میتوان دربارهٔ این انفجار در سال ۱۹۰۸ داد.

در شماره مارس ۱۹۶۴ طی مقاله‌ای در روزنامه معروف لینک (Svada) این تئوری مطرح گردید که موجوداتی هوشمند از برج دجاچه، یکی از صوم فلکی (Cygni) که مورد توجه در بررسی‌های فلکی است سعی دارند با زمین تماس بگیرند. صاحبان این نظریه دو دانشمند معروف ژنریک اارف و والتینا شورالوا، معتقدند که این حادثه پاسخ و عکس‌العمل موجودات آسمانی در برابر انفجارهای عظیم آتش فشانی (Kerakaton) در اقیانوس هند بوده که در ۱۸۵۳ بوقوع پیوست و این آتش فشانی، طوفانی از امواج رادیویی فشرده را (گونساتره) به فضا ارسال داشته و موجودات هوشمند منظومه ذکر شده آنرا نوعی پیام رسیده از سایر کرات تلقی کرده و در پاسخ از اشته لیزر بسیار قوی استفاده کرده به فضا پاسخ دادند، و موفقیتی که این اشته به جو بالای زمین در سبیری برخورد کرده، آنرا تبدیل به ماده نموده است. ولی من این تفسیر را نمیتوانم قبول کنم گرچه وجود ضد ماده در اعماق فضا قبول دارم و میدانم که در برخورد ماده و ضد ماده هر دو از بین میروند و تبدیل به انرژی میشوند و از طرف دیگر احتمال رسیدن ضد ماده بزمین در حالیکه در طی راه با ماده برخورد نکرده باشد خیلی بعید بنظر میرسد و من ترجیح میدهم که با نظر آنهاستیکه منشاء انفجار اتمی را توده انرژی که فقط مربوط به کشتی فضائی میدانند موافق باشم. کتابهای زیادی در مورد انفجار سبیری نوشته شده ولی باید این موضوع را دانست که رادیو اکتیویته در اطراف مرکز انفجار تقریباً در مقایسه با محل‌های دیگر کره زمین حتی امروزه هم دو برابر می باشد. بررسی دقیق درخت‌ها و حلقه‌های سنی آنها از دید رادیو اکتیویته را به قدر قابل ملاحظه‌ای از سال ۱۹۰۸ تأیید میکند و تا روشن شدن کامل این مسئله و همچنین چند مورد دیگر هیچکس حق رد هیچکدام از استنباطها و یا نظریات موجود را تنها با طرح

تقریباً ممکن القبول (ولی بدون دلیل) ندارد. اطلاعات ما در باره منظومه شمسی تا حدودی پیشرفته است و فقط حیات آن هم با محدودیتهایی میتواند در کره مریخ وجود داشته باشد (البته حیات با معیارهای زمینی خودمان) شرایط لازم از نظر ما برای حیات وجود اکوسفر (Ecospher) است و در منظومه شمسی ما، تنها ونوس، زمین و مریخ از این شرط برخوردارند و در نظر داشته باشیم که این تصور ما درباره زندگی بهیچ وجه جنبه قاطعیت نداشته و ممکن است حیات بصور گوناگون و هر شکل ممکن درآید. تا سال ۱۹۶۲ دانشمندان ونوس را احتمالاً کره زنده میدانستند تا این که سفینه مارینر ۲ تا حدود ۲۱۰۰ مایلی ونوس رسید و طبق اطلاعاتی، ونوس گرمای مرده تلقی گردید و بر حسب اطلاعات مخایره شده، سفینه، حرارت متوسط سطح کره مریخ در قسمت روشن و تاریک آن حدود ۴۲۰ درجه می باشد و در چنین حرارتی وجود آب منتهی است و تنها دریاچه‌سائی از فلزات ذوب شده میتواند در سطح کره مریخ موجود باشد، بنابراین، مانکه گفته میشود ونوس وزمین خواهر هم نیستند. وجود هیدروژن و کربن، بتواند محیط مناسبی برای زیست باکتری‌های مختلف باشد. از مدت‌ها پیش دانشمندان و جزد زندگی را در کره مریخ تا حدودی قبول داشتند و پس از مأموریت موفقیت آمیز کشتی مارینر چهارم امکان زندگی در کره مریخ پذیرفته شد. در ضمن میتوان این احتمال را داد که مریخ هزاران سال قبل دارای تمدن بوده باشد.

به حال بررسی دو قمر کره مریخ جالب است. مریخ دارای دو قمر بنام های فوبوس و دیموس میباشد که این دو واژه در زبان یونانی بمعنی ترس و وحشت است.

قبل از اینکه این دو قمر توسط سنار، شناس آمریکائی آسمان هال کشف گردد (سال ۱۸۷۷) تا سال ۱۶۱۰ کپلر احتمال میداد که مریخ دارای ۲ قمر باشد اگر چه احتمالاً دو سال پیش از آن ادعای چنین کشفی قبل از گزارش کپلر شده بود ولی کمتر میتوان این نظار را قبول کرد زیرا قمرهای خیلی کوچکی مریخ توسط دستگاه‌های نجومی آن زمان قابل رؤیت نبودند. توصیف جالبی درباره قمرهای مریخ توسط جوناتان سویفت (Jonathan Swift) در کتاب

مسافرت به لاپوتا و ژاپن (A Voyage To Laputa And Japan) که قسمت سوم کتاب سفرهای گالیور می باشد داده شده سویت نه تنها دو قمر مریخ را در کتابش توصیف می کند بلکه حتی اندازه شعاع مدار آنها را هم تعیین کرده است.

(به این قسمت از فصل سوم کتاب توجه شود): لاپوتای ستاره شناس، بیشتر زندگی خود را صرف رصد کردن اجرام سماوی با تلسکوپ عالمی بمراتب قویتر از آنچه مادر حال حاضر داریم میسر د. و با اینکه اندازه بزرگترین تلسکوپهای آنها از ۳ پا بیشتر نبود قابلیت بزرگنمایی آنها حتی از تلسکوپهای ۱۰۰ یاردی که امروز در اختیار ما است بیشتر بود. و ستارگان روشن تر و واضحتر در میدان دید مدد کنندم قرار داشتند و به ملت همین. تری توانستند بررسیهای کیهانی خود را فوقالعاده گسترش داده و بیش از آنچه در اروپای امروز پیشرفته اند پیشروی کنند. آنان در حدود ده هزار ستاره ثابت را شناسایی کرده در حالیکه شناسایی فعلی ما از ستارگان ثابت به یک سوم این رقم هم نمیرسد. آنان همچنین دو قمر خیلی کوچک مریخ را شناسایی کردند که بدور آن گردش میکنند. فاصله قمر داخلی (نزدیکتر به مریخ) از مرکز مریخ دقیقاً سه برابر قطر و دومی ۵ برابر قطر آن میباشد. قمر اول در مدت ۱۰ ساعت و قمر دوم ۲۱/۳۰ ساعت دور مریخ یک دور کامل میچرخد.

بنابر این مجنون زمان گردش خیلی نزدیک به همان نسبت مکعب فاصله شان از مرکز مریخ است، یعنی این دو قمر از همان قانون کلی جاذبه اجرام سماوی تابعیت دارند. سویت چگونه میتواند درباره قمرهایی که ۱۵۰ سال بعد گزارش ۱- مدار فو بوس تقریباً ۹۴۷۶ کیلومتر یعنی در فاصله تقریباً ۶ هزار کیلومتر از سطح مریخ بدور آن سیاره می چرخد. با توجه به اینکه طول مدت گردش وضعی مریخ ۲۴ ساعت و ۳۷ دقیقه است بنابراین فو بوس یکانه قمر در منظومه شمسی میباشد که مدت گردش آن بدور سیاره از مدت گردش وضعی سیاره کوچکتر است. دیوس هم در مداری گرد بشعاع ۲۳۵۰۰ کیلومتر از مریخ قرار گرفته است.